

انترناسیونال

۵۱

دوره دوم

جمعه، ۱۳ شهریور ۱۳۸۳

۳ سپتامبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

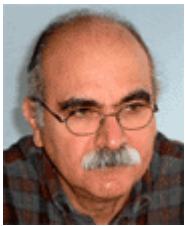
منصور حکمت

www.m-hekmat.com

ترمیم هیئت دبیران
حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۴

اطلاعیه در مورد بازسازی کمیته کردستان و شورای
کادرهای کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۴

اطلاعیه برگزاری کنگره ۵
حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۴



منصور حکمت یکبار دیگر پیروز شد!

نامه ای خطاب به اعضا و فعالین حزب در ایران

حمید تقوائی

انقلاب سواری کند. بحث حزب و قدرت سیاسی را نفهمیده است. حزب سیاسی را نفهمیده است. کل کمونیسم کارگری را نفهمیده است. ... اینها را گفتند، یک ادعای تمامه جنگ سردی و مک کارتیستی علیه حزب صادر

صفحه ۲

چه اتفاقی افتاده است؟ خودشان میگویند "چون حزب پاسیو شده! مائوئیست شده! چه سنتی شده! نشریاتش را کسی نمیخواند و تلویزیونش را کسی نمیبیند! رهبری حزب خط و رهنمود عملی ندارد، تفتیش عقاید و تصفیه ایدئولوژیک میکند! آژیتاتور و مداح انقلاب است. می خواهد

حزبی که در آخرین پلنومش سازماندهی انقلاب را تا سطح رهنمودها و نقشه عملهای روشن و جامع بسط داد و راه را برای بمیدان آمدن فعالین چپ در ایران هموار کرد، حزبی که با تلویزیون کانال جدید میلیونها چشم را بخود خیره کرده است، از چنین حزبی یک عده جدا میشوند. چرا؟

رفقای عزیز

حتما تا کنون از انشعاب در حزب مطلع شده اید. و این خبر بیشک بسیاری از شما را متعجب و نگران کرده است. حزبی که همین چندی پیش در کنگره با شکوه و یکپارچه اش با استقبال انقلاب ایران رفت و رهبری و سازماندهی انقلاب را در دستور قرار داد،

عده ای از رفقای جوان ما در داخل کشور بعد از شنیدن و خواندن مباحث اخیر درون حزب برای اعلام موضع خود دست به ابتکار جالبی زده اند. آنها برای اینکه مخالفت خود را با انشعابیون حزب نشان دهند نه فقط پیام بالا بندی را به کنگره پنج ارسال کرده اند، بلکه به خیابان رفتند و برای حزب تبلیغ کردند و عکس آنرا برای مجید بستنچی (دبیر کمیته خارج سازمان جوانان کمونیست) فرستاده اند. نامه خود رققا گویا است:

"رفقای رهبری ح ك ك و اعضا و کادرهای ح ك ك! چند روزی است که در جریان جنگ مستقیم شما بر علیه سنتی آشنا جهت مقابله با انقلاب ما، قرار گرفتیم. از رفیق رابطمان (رفیق مجید) خواستیم علاوه بر زحمتی که نیمه

سیاوش دانشور

ستون اول

درسهای گناوه!

شورش شهری مردم و جوانان گناوه از جوانب مختلفی مهم است. نفس اینکه خودشان اعتراف میکنند که ابتدا سیصد نفر بود و به سرعت به هزاران نفر رسید، نفس اینکه میگویند ده هزار نفر شهر را قرق کردند و "فرصت طلبان" به تمام ارگانهای دولتی و هر چه که بوی رژیم اسلامی میدهد حمله کردند و به آتش کشیدند، نفس اینکه میگویند نیروی انتظامی و ضد شورش و امثالهم بالاخره توانستند کنترل اوضاع را در دست بگیرند، نشان میدهد که آنچه "کنترل" اوضاع را در دست ندارند! زیر پایشان خالی است! مردم متنفر از اسلام و آخوند و حاجی بازاری و سرمایه دار در کمین اند! هر روز و هر لحظه در کمین اند! مردم گرسنه و به جان آمده صبح شان را با فحش دادن به خدای اینها و شب شان را با دندان قروچه و آرزوی بیزیرکشیدن شان به بالین میگذارند.

شورش گناوه ادامه ایذه و آبادان و سمیرم و اصفهان و فریدونکنار و مریوان و کامیاران و دماوند و خاتون آباد و شهر بابک است. شورش گناوه ادامه ۱۸ تیر است. ادامه جنبش عظیم سرنوشتی برای جارو کردن کثافت مذهب و حکومت سرمایه داری است. نشان رشد و تکوین جنبش ضد اسلامی است. ادامه عزم جنبش ضد آپارتاید جنسی و خلاصی فرهنگی از حکومت آپارتاید اسلامی و تاجر قرون وسطائی حاکم است. ادامه اعتراض هر روزه کارگر و جنگ بر سر نان و رفاه و آزادی است. کسانی که دینامیزم حرکت مردم در آن جامعه را درک نمیکنند، کسانی که افت و خیز اعتراض مردم را دال بر "تغییر رابطه مردم با حکومت" و یا "دلسردی جامعه" و یا قدرت و دامنه عمل حکومت در سرکوب

صفحه ۳

رازهای یک عکس!
در حاشیه نامه ای به کنگره ۵

مصطفی صابر

و به راست بگویید ما حزب کمونیست کارگری هستیم و یک حزب راستین و باز با تاریخی به قدمت نیاز بشر به آزادی. (بگویید) هر جا ستم باشد تنها آلترناتیو آن برقراری سوسیالیسم است و بقول منصور حکمت "یا سوسیالیسم و یا بدبختی".

متن کامل نامه رفقای جوانان را که تیتروزده "چشمها را خوب باز کنید!" و احیانا همراه با

صفحه ۳

خانه هایمان کند. لذا نشسته و تصمیم گرفتیم با این عکسها که ارسال کردیم رای خود را به کنگره داده و خطاب به آن بگوییم ما حی و حاضر شما را در بدترین جو ممکنه نمایندگی میکنیم. معنایش را خوب میدانید یعنی چه و در اسناد زنده ما (عکسهایمان) به بروشنی معلوم است. و میخواهیم شما هم ما را نمایندگی کرده و خواست ما که همان برقراری سوسیالیسم بدون قید و شرط است را به کنگره برده

شبهتا صبح کشید و با سختی فراوان به پای ما نشست و از طریق یاهو صدا داد تا ما بخشهای شفاهی را هم گوش کنیم و اسناد مکتوب را هم خواندیم خلاصه در جریان کامل اوضاع قرار گرفتیم (اینها با شما در میان بگذارد که) با رفقای خود نشستگی برگزار کردیم روی تمام مسایل حرف زدیم. یک وجه مشترک دیدیم. وجهی نبود بجز خط راستی که میخواهد امید ما را مبنی بر سوسیالیسم ببرد و ما را روانه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ منصور حکمت یکبار دیگر پیروز شد!

کردند و رفتند.

اما دلیل واقعی جدایی آنها این ادعاها نیست، اینها دلایلی است که بعد از مورد نقد قرار گرفتن نظراتشان و در حال عقب نشینی و طفره رفتن از پاسخگویی به این انتقادات به ذهنشان رسید. اینها توجیحات جدایی است و نه دلایل آن. بقول منصور حکمت هیچکس موقع ترک یک حزب آنرا به عرش اعلی نمی رساند.

انشعاب در حزب ما بدنبال دو سال اختلاف نظر در رهبری حزب بر سر مسائل پایه ای سیاسی صورت گرفت. در محور این مباحث راه بقدرت رسیدن حزب قرار داشت. منشعبین در اطلاعیه جدانشان تنها در یک جمله به این اختلاف پایه ای اشاره میکنند و کل بیانیه را به پلنوم و کنگره و قانون شکنیهای تشکیلاتی من اختصاص میدهند. اما مساله تماما در همان جمله است. حقیقت اینست که پس از مرگ منصور حکمت نظراتی بوسیله رفیق کورش مدرسی در حزب ما مطرح شد که بیشتر شاخه چپ جنبش دو خرداد را نمایندگی میکرد تا خط منصور حکمت را. این نظرات اولین بار، زمانی که منصور حکمت در بستر بیماری بود، در دفاع از نافرمانی مدنی، سپس در پلنوم ۱۶ در رابطه با مساله فروپاشی رژیم و دولت موقت، بعد در بحثهای داخلی دفتر سیاسی حول قطعنامه حق مردم در تعیین حکومت و بیانیه حقوق سیاسی، در بحثهای دفتر سیاسی حول شورا و بالاخره در شکل کامل و تئوریزه شده آن در سمینارهای داخلی حزب در ماه قبل بوسیله رفیق کورش بیان شد. اسناد این مباحثات اکنون روی سایت حزب www.wpiran.org در دسترس همگان است. شما را بخصوص به "مباحثی در مورد حزب و سرنگونی جمهوری اسلامی"، "نوار جلسه دفتر سیاسی در مورد مباحث مربوط به حزب و سرنگونی جمهوری اسلامی"، "سمینارهای مرکزی کورش مدرسی و حمید تقوایی ۱۷ تا ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۴" و سمینارهای حمید تقوایی در مورد "حزب و انقلاب" و "تصرف قدرت سیاسی" رجوع میدهم.

نظرات طرح شده از جانب کورش به تازها و ایده هائی رجعت کرد که ۲۵ سال قبل مارکسیسم انقلابی با

نقد آنها پا بعصره گذاشته بود: انقلاب دموکراتیک کمونیستها را بقدرت نمیرساند، سوسیالیسم زود است، قیام خشونت تحمیلی است، راه متمدنانه تصرف قدرت مجلس موسسان و رفراندوم است، انقلابی در کار نیست، حاصل تحولات جاری فروپاشی و دولت موقت است، حتی اگر به تنهایی بقدرت برسیم باید از اعلام سوسیالیسم خودداری کنیم، مردم برای خواستهای دموکراتیک به خیابان آمده اند و نه سوسیالیسم، سوسیالیسم مردم را رم میدهد و اینها نظراتی بود که به عنوان نتایج بحث "حزب و قدرت سیاسی" نظرات منصور حکمت "جدید"، منصور حکمت بعد از کنگره دوم، بیان میشود.

بخشی از رهبری حزب قاطعانه در برابر این نظرات ایستاد و اجازه نداد به سیاست و مصوبات حزبی تبدیل شود و بخشی دیگر کج دار و مریز، نیمه موافق و نیمه مخالف، با آن مدارا کرد و عاقبت وقتی این نظرات در میان کادرها علنی شد و مورد نقد وسیعی قرار گرفت، ترجیح داد حزب را ترک کند.

مبنای این نظریه حذف انقلاب از استراتژی قدرت سیاسی و بعبارت دیگر توهم رسیدن بقدرت بدون انقلاب است. این بینش به ناگزیر با به سازش طبقاتی و راست روی آشکار و یا به آوانتوریسم منجر میشود. و کورش مدرسی به هر دو این نتایج رسید. جانشین کردن انقلاب با فروپاشی و حکومت کارگری با دولت موقت ائتلافی، و کنارگذاشتن سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان هدف فوری حزب پس از تصرف قدرت یک نتیجه این نوع "خیره شدن بقدرت" و چشم پوشیدن از انقلاب بود. استنتاج دیگر این بود که میشود با ده هزار نفر خانه سه نفر، خامنه ای و خاتمی و فرسنگانی را گرفت و کار رژیم را یکسره کرد! بعبارت دیگر سازش و ائتلاف و یا کودتا نقشه عمل این دیدگاه برای رسیدن بقدرت است. طبیعی است که وقتی انقلاب را کنار بگذارید دیگر جایی برای تغییر نظام و دست بدست شدن طبقاتی قدرت سیاسی نمیماند، قدرت سیاسی به کابینه دولتی و راه رسیدن به قدرت هم به راههای رایج بورژوازی برای تغییر کابینه، به دیپلماسی قدرت، به سازش و ائتلاف و یا کودتا، تنزل

میکند. روشن است که دیگر حرفی از زیر و رو کردن نظام موجود و سوسیالیسم نمیتواند در میان باشد.

اپوزیسیون راست رژیم در جامعه مدتهاست همین نوع طرحها و سیاستها را مطرح و دنبال میکند. از نافرمانی مدنی تا مجلس موسسان و رفراندوم و ناممکنی سوسیالیسم پرچم کهنه و رنگ پریده راست در جامعه است. اما در صفوف ما این نظرات ناگزیر بود یک توجیه چپ و مارکسیستی برای خودش پیدا کند و این تلاش عبث هم میباید تحت نام منصور حکمت صورت میگرفت. تلاش شد این نظرات را با توسل به بحث "حزب و قدرت سیاسی" و "دولت در دوره های انقلابی" و "سلبی و اثباتی" او به خورد ما بدهند. دولت در دوره های انقلابی منصور حکمت را به دولت در دوران ائتلافی تبدیل کردند، از حزب و قدرت سیاسی دیپلماسی شرکت در کابینه را فهمیدند، بجای انقلاب "پروژه تصرف قدرت" را نشانند، از سلبی بودن انقلاب، دموکراتیک بودن آن را نتیجه گرفتند، از "حزب دولت را تصرف میکند" نتیجه گرفتند که "شورا لازم نداریم" منصور حکمت را به قدیم و جدید تقسیم کردند، تحریف کردند و درهم پیچیدند تا حقانیت خود را نتیجه بگیرند و آنجا که نتوانستند صریحا گفته های او را نقض کردند. منصور حکمت میگفت ما نماینده اکثریتیم، رفقا میگویند ما حزب اقلیتیم و تا بعد از تصرف قدرت اقلیت خواهیم ماند، منصور حکمت میگفت برای رسیدن بقدرت باید به مکانیسمهای اجتماعی قدرت نظیر انقلاب و شورش و اعتصاب و تظاهرات و قیام دست برد، رفقا میگویند بدون انقلاب هم میشود بقدرت رسید، با ۱۰ هزار نفر میرویم خانه سه نفر را میگیریم! منصور حکمت میگفت زیب هر انسانی را که بکشید یک سوسیالیست میباید رفقا میگویند سوسیالیسم مردم را رم میدهد! منصور حکمت میگفت سوسیالیسم فوراً رفقا میگویند سوسیالیسم منصور حکمت میگفت جمهوری سوسیالیستی رفقا میگویند حکومت موقت، اساس بحث منصور حکمت در "حزب و قدرت سیاسی" نقد چپی است که مدام میگوید هنوز نوبت کمونیستها فرا نرسیده و رفقا میگویند انقلاب حاضر دموکراتیک است، هنوز نوبت کمونیستها فرا نرسیده! میخواستند این آنتی حکمتیسم را بجای حکمتیسم به ما

بفروشدند! اما در صفوف ما خریداری پیدا نکرد.

چنانچه این نظرات، حتی گوشه ای از آن به سیاست حزب تبدیل میشد، حتی اگر معلوم میشد که بحث در مورد نافرمانی مدنی و رفراندوم و مشارکت با بقایای جمهوری اسلامی در دولت موقت و عدم امکان پیروزی کمونیستها در تحولات اخیر و رم کردن مردم از سوسیالیسم و غیره در رهبری حزب ما باز و قابل بررسی است، چیزی از حزب ما بجا نمیماند. تمام آن اعتبار و پایگاه اجتماعی که ۲۵ سال مبارزه روی خط رادیکال و ماکسیمالیستی منصور حکمت برای حزب و جنبش ما کسب کرده بود به باد فنا میرفت، کارگران و جوانان و زنان انقلابی از ما روی بر میگرداندند و حزب ما تا سطح جریانی در حاشیه چپ دو خرداد تنزل میکرد.

اما چنین نشد چون ما اجازه ندادیم. اکثریت کادرهای حزب در یکی از حادثترین مبارزات نظری در تاریخ جنبش ما بمیدان آمدند و جنگیدند و پرچم منصور حکمت را برافراشته نگاهداشتند. این نظرات کوبیده شد و شکست خورد و مدافعین آشکار و پنهان آن حزب را ترک گفتند. این نبرد جزئی از مبارزه وسیعتر ما بود با سیاستها و دیدگاه های راست در سطح جامعه. تلفات ما در این نبرد کم نبود، اما از آن پیروز بیرون آمدیم، و اکنون به کنگره میرویم تا این پیروزی را تثبیت کنیم. بسیاری از رفقای که صفوف ما را ترک کردند قربانیان این نبرد اند. جای آنها در صفوف ماست و ما امیدواریم هر چه زودتر به این واقعیت پی ببرند و بازگردند.

انشعابیون حزب تازه ای تاسیس کرده اند. ما نقد خود به نظرات راست کورش را به این حزب سرایت نمیدهیم و این حزب را بطور ابژکتیو و بر اساس سیاستها و پراتیکش در جامعه قضاوت خواهیم کرد. اما از هم اکنون اعلام میکنیم که حزب جدید اگر بخواهد این نظرات را مبنای سیاست و عملکرد خود قرار دهد با تمام قوا در برابر آن خواهیم ایستاد.

رفقا! حزب ما، حزب منصور حکمت، محکم و استوار بر جای خود

ایستاده است. بقول منصور حکمت ضربه ای که ما را از پای در نیابرد، محکم ترمان خواهد کرد. منشعبین میخواهند این تصویر را بدهند که حزب به هم ریخته و منحل شده است. گویا اعضای حزب ما هر یک چندین بار ما را ترک کرده و چندین بار به حزب جدید پیوسته اند: یکبار بعنوان عضو کمیته مرکزی، یکبار بعنوان عضو کمیته کردستان، یکبار بعنوان عضو کمیته میوان، یکبار بعنوان کادر حزب در سوئد و ...! گویا کمیته ها از ما جدا میشوند و به آنها می پیوندند! گویا اکثریت رفته و حزب را برای اقلیت گذاشته است. حتی رسماً انحلال حزب را اعلام کرده اند! اینها همه پروپاگاندا تو خالی ایست که برای "جمع آوری نیرو" ناشیانه سر هم بندی شده است. دوره این تبلیغات کودکانه میگذرد و روسیاهی به ذغال میماند. حزب ما کمی کوچکتر اما استوار تر و منسجم تر از گذشته پشاپیش کارگران و مردم انقلابی و در برابر جمهوری اسلامی و کل اردوی ضد انقلاب به پیش خواهد رفت.

منشعبین رفتند و حزب و سیاستهای منصور حکمت را بجا گذاشتند. کنگره پنجم یکبار دیگر پرچم این سیاستها را بر خواهد افراشت یکبار دیگر بر این سیاستها، بر انقلاب و سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی، بر ضرورت سازماندادن و رهبری انقلاب، تاکید خواهد گذاشت. جای همگی شما در این کنگره تاریخی خالی خواهد بود. اما من مطمئنم که کنگره همگی شما، همه فعالین و کمونیست و چپ در ایران، در جنبش کارگری، در میان زنان، در میان جوانان، در دانشگاهها و مدارس، در میان معلمان و پرستاران و در میان صفوف مردم معترض و انقلابی ایران را نمایندگی خواهد کرد. کنگره ما عملاً به دنیا نشان خواهد داد که "ضربه ای که ما را از پای در نیابرد، بمراتب تقویتمان خواهد کرد!"

دستان را به گرمی میفشارم و برای همه شما در مبارزه مشترک و خطیری که با جمهوری اسلامی و تمام اردوگاه ضد انقلاب به پیش میبریم آرزوی موفقیت و پیروزی دارم!

۳۱ اوت ۲۰۰۴

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

از صفحه ۱ رازهای یک عکس

یکی دو عکس منتشر خواهیم کرد. ولی اینجا میخواهم بگویم که نامه رفقای جوان ما برای من چشم باز کننده بود!

امیدوارم کسی این کلمات را اغراق و دراماتیزه کردن موضوع بخاطر اینکه جوابی به منشعبین اخیر داده باشم به حساب نیاورد. موضوع فراتر از این جور مصالح مقطعی و حتی باید گفت محدود است. نکته مهمتری در این نامه و در نامه های مشابهی که از رفقایمان در داخل کشور دریافت کرده ایم (برای مثال به جوانان کمونیست ۱۵۷ رجوع کنید) وجود دارد. نکته مهمتری که به نظر من راز تحولات چند سال اخیر ایران است. و آن اینست که جامعه دارد منظم به چپ میچرخد. هر ابتکار و تحرک راست

در جامعه سرانجام عقب رانده میشود و از میان گرد و خاک ناشی از جلال و دعوا سرانجام این چپ جامعه است که قوی تر بیرون می آید. برای مثال کل نمایش دوم خرداد را در نظر بگیرید. یادتان بیاورید که در آن اوائل آمدن دوم خرداد چطور خاتمی شده بود "گاندی ایران" و چطور از سی ان ان گرفته تا تقریباً همه اپوزیسیون جمهوری اسلامی (در اوائل کار حتی بخش های وسیعی از سلطنت طلبان) به عیای حریر سید دخیل بسته بودند. یکی دو سال بعد صحنه کاملاً عوض شد. بخصوص بعد از کنفرانس برلین، دیگر این چپ و مشخصاً حزب کمونیست کارگری بود که هر روز بیشتر در جامعه مطرح میشد و کل افسانه اصلاح جمهوری اسلامی بر چیده شد. خدا میداند که در آن دوره چقدر به ما حزب کمونیست کارگری دشنام دادند و دروغ های شاخدار علیه ما ساز کردند. اما کارساز نبود.

نمونه دیگر که تلاش کردند و کل دول بورژوازی غرب پشت سر آن آمدند ولی باز به قوی تر شدن چپ منجر شد، دادن جایزه صلح نوبل به خانم عبادی بود. اینبار کری کری خوانی راست در جامعه حول "بانوی ایرانی برنده جایزه صلح نوبل" دو هفته هم دوام نیاورد و خانم عبادی زودتر از آنکه فکر میکرد سر کار وکالت خود برگشتند. یکبار دیگر راست کوشید تحرك و ابتکاری به خرج دهد، اما چپ قویتر شده بود!

هر واقعه همین این چند ساله را که نگاه کنید همین قانونمندی بر آن حاکم است. جامعه دمبدم چپ تر شده و بقول منصور حکمت چپ خود را بزرگ کرده و ارج گذاشته است. حتی وقتی منصور حکمت مرد، کمونیسم کارگری و حزبی به مراتب بیش از پیش در سطح جامعه مطرح شد. و حالا با کمال تعجب داریم می بینیم با وجود ضربه ای که یک انشعاب راست به حزب ما زده است، باز این چپ جامعه است که دارد سر بلند تر و قیبراق تر سر بر می آورد. برای مثال انشعابیون به انواع تبلیغات نازل متوسل میشوند. مثلاً کنند یک اسم را به چهار پنج بسته بندی (یکبار کمیته مرکزی، یک بار کمیته کردستان، یک بار کادر تشکیلات آلمان و یک بار سازمان جوانان ...) ارائه میدهند. اما این کارها فقط مردم را عصبانی میکند. بخصوص آنهايي را که کمی راجع به حرفها و مواضع راست انشعابیون اطلاع داشته باشند. جالب است که رفقای جوان ما حرف و نامه را کافی ندانسته و به خیابان آمده اند و خود را به مخاطره انداخته اند تا با "سند زنده" از حزنشان و انقلاب و سوسیالیسم شان دفاع کنند! تا برای کسی در عزم و اراده شان شکی باقی نماند. و این یک استثنا نیست. این قاعده اوضاع ایران است. تره خرد نکردن برای راست و رفتن به سمت چپ یک تمایل بسیار قوی در ایران است. کسی که چشم اش را باز نکند و این واقعیت را نبیند، راز تحولات ایران را دریافته است. چنین کسی یا در برابر این تحولات قرار میگیرد و به ارتجاع تمام عیار کشیده میشود، و یا از آن عقب میماند و حاشیه ای و فراموش خواهد شد.

از صفحه ۱ ستون اول

باز میشناسند، این حقیقت ساده را درک نمیکنند که نیشود هم مردم را گرسنگی داد و هم برویشان شلیک کرد!

بهاغه اعتراض

از بیست خرداد تا هیجده تیر سال گذشته تا امروز جامعه ایران صحنه اعتراضات وسیع و بیسابقه، صحنه شورشها و قیانهای شهری، تظاهراتها و اعتصابات مکرر کارگری، اعتصابات و اجتماعات معلمان و پرستاران، و درگیری روزمره جوانان و زنان در کوچه و خیابان با رژیم اسلامی بوده است. این یک جنبش واحد نخواستن حکومت اسلامی است. این جنبش هر روز و هر لحظه در گوشه ای قد علم میکند. مجرا و بهانه این اعتراضات ساده و برحق است: حقوق و دستمزدها، معیشت، مسکن، آزادی، امکانات رفاهی، حق برخورداری از بیمارستان و طب و آموزش و پرورش، اعتراض به دست درازی پاسدار و بسیجی و حزب الله، خواست راحت تر زندگی کردن، مقابله با قوانین اسلامی و حکومت آپارتاید، برسمیت نشناسی حکومت اسلامی در ایران! این خواستها دهها میلیونی است. مهم نیست نیروی محرکه و جرقه اولیه اعتراض کدام است، مهم اینست که همه میدانند این بساط جهنمی را نمیخواهند! همه میدانند که نباید این وضعیت را قبول کنند و قبول نمیکنند! همه میدانند با رژیم اسلامی دستمزد و معیشت و بهداشت و درمان و کار و آموزش متحقق نمیشود. این حقیقت سیاسی آن جامعه و ریشه ناتوانی حکومت اسلامی در مقابل مردم است. "فرصت طلبان" مورد اشاره اوباش سازمان اطلاعات رژیم امروز اکثریت قاطع مردم ایرانند!

انتقال بیمارستان گناوه یا دماوند به شهری دیگر و یا حتی منطقه ای دورتر از شهر و عدم دسترسی مردم به دارو و پزشکی و بیمارستان را کسی قبول نمیکند. به حق قبول نمیکند. نباید قبول کند. وضعیت را بجائی رساندند که در

بیرجند بیماران با پای گچی و دست و سر باند پیچی شده از بیمارستانها فرار میکنند! چون پول ندارند که هزینه دکتر و بیمارستان را بپردازند! مردم در پایتخت باید در ناصر خسرو و باب همایون و امثالهم دنبال داروی قاچاق در بازار سیاه بگردند! داروهای تاریخ مصرف گذشته با سه برابر ارزش اصلی آن را باید در بازار سیاه یافت و متشکر هم بود! بازار فروختن کلیه کساد شده و آگهی فروش کلیه با "قیمت مناسب" را همه جا میتوان مشاهده کرد! بازار برده فروشی و قاچاق دختران جوان و حتی کودکان هم گرم شده است! در ابتدای قرن بیست و یکم اسلام تجارت انسان و قطعات بدن را به مردم محروم تحمیل کرده است! مافیای تولید و توزیع مواد مخدر و سازماندهی فحشا در ابعاد وسیع بجای خود. این وضعیت غیرقابل تحمل و با هر معیاری انفعاری است. این رژیم یک جامعه را به نابودی کامل کشانده است. این رژیم ارزش انسان را از حیوان هم پائین تر آورده است. این رژیم ناتوان از بازکردن هیچ روزنه امید و یا افقی برای کمترین بهبود و تغییر در زندگی مردم است. مردم هم میدانند مادام که این رژیم هست در بر همین پاشنه میچرخد. بهانه های شورش در گناوه و ایذه و فریدونکنار و امثالهم واقعی اند، اما این تنفر مردم از جمهوری اسلامی است که فوران میکند و "بسرعت" شهرها را "قرق" میکند. این نفرت از شمایل و هویت و کراهت این حکومت است که مردم را مستقیماً سراغ وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی و مراکز دولتی میفرستد. این غولی است که از شیشه بسرون آمده و هربار که تکان میخورد برای ساعتها و روزهای جمهوری اسلامی و ارکانهای قدرتش را پاک میکند. این غول چاره ای بجز لایروبی تمام عیار این حکومت و بنیادهایش را از رگ و ریشه جامعه ندارد. بوی تعفن جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی دنیا را فرا گرفته است.

امروز گناوه، فردا همه جا!

گناوه نشان داد که سرنگونی طلبی

و نخواستن حکومت اسلامی نه فقط بستر اصلی سیاست در ایران است بلکه چرخش به چپ جامعه هر روز عیان تر خود را نشان میدهد. خواست مردم، اعتراض مردم، حقیقی و انسانی و آزادیخواهانه است. جامعه ایران دارد با سرعت تمام به طرف یک تعیین تکلیف سیاسی میروند. جامعه ایران دارد بسرعت خیره کننده ای در راه حل چپ و سوسیالیستی سیمای آتی خود را تعریف میکند. سیاستها و شعارهای نیم پز کمپ راست از اپوزیسیون مجاز تا اپوزیسیون راست حکومت، که تلاش میکنند تغییر در جامعه با کمترین دخالت مردم صورت بگیرد، در مبارزه مردم رنگ میبازد. شکست تاکنونی این سیاستها در درجه اول نشان بیبریطی به زندگی و خواست و مبارزه مردم برای نفی وضع موجود است. گناوه دریچه ای به فرداست. گناوه نشان میدهد که دینامیزم تحول سیاسی در ایران پا برجاست. گناوه تاکید میکند که نه سیاست سرکوب رژیم اسلامی پاسخ است و نه سیاست "اصلاح طلبی" اسلامی. گناوه گوشه ای از یک تصویر همه جانبه تر و سراسری تر سیاست در ایران است که بروشنی فریاد میزند اسلام و حجاب و آپارتاید جنسی نمیخواهیم. آخوند مفتخور و سرمایه دار و حاجی بازاری انگل باید گورشان را گم کند. بساط فقر و فلاکت و محرومیت باید برچیده شود. اعدام و زندان باید لغو شود. زندانی سیاسی باید آزاد شود. دست مذهب باید از سر مردم کوتاه شود. دخالت در زندگی خصوصی مردم ممنوع شود. جمهوری اسلامی سرمایه داران بعنوان بانی این وضعیت باید سرنگون شود.

گناوه حقیقت سیاسی جامعه ایران را بیان میکند! گناوه بخشی از صف میلیونی نفی وضع موجود، صف انقلاب برای آزادی و برابری است! گناوه بر نقش تاریخساز کمونیسم کارگری برای رهبری جنبش انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و خوشبخت و مرفه تاکید میکند. *

سراغاز به چپ چرخیدن بیشتر جامعه خواهد بود! *

منسجم تر است و لذا قدرت بسیج انقلابی عظیمی بدست خواهد آورد. و آنگاه کنگره پنج به سهم خود

کنگره پنج حزبی را به قلب جامعه انقلابی ایران شلیک خواهد کرد که از همه لحاظ آماده تر و یکدست تر و

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

اطلاعیه در مورد بازسازی کمیته کردستان و شورای کادرهای کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

- با توجه به کناره گیری تعدادی از اعضای کمیته کردستان و شورای کادرهای کردستان حزب، این ارگانها بازسازی شده است. لازم به توضیح است که کمیته کردستان توسط هیئت دبیران حزب تعیین شده است. در اولین فرصت شورای کادرهای کردستان حزب تشکیل جلسه خواهد داد و کمیته را انتخاب خواهد کرد. اسامی کمیته کردستان و شورای کادرهای کردستان حزب به شرح زیر میباشد:
- کمیته کردستان:**
- ۱- محمد آسنگران، دبیر کمیته
 - ۲- ایرج فرجاد
 - ۳- حیدر گویلی
 - ۴- عبدالله صید مرادی
 - ۵- نسرين رمضانعلی
 - ۶- شهناز مرتب
 - ۷- سیاوش مدرسی
 - ۸- شمه صلواتی
 - ۹- عبدالله اسدی
 - ۱۰- منصور فرزاد
 - ۱۱- اسماعیل مولودی
 - ۱۲- پروین کابلی
 - ۱۳- سهیلا شریفی
 - ۱۴- اصغر کریمی
 - ۱۵- رزگار روشن
 - ۱۶- محمد امین کمانگر
 - ۱۷- صابر رحیمی
 - ۱۸- عباس ایانغ
 - ۱۹- کریم شاه محمدی
 - ۲۰- فریدون فرجاد
 - ۲۱- وریا احمدی
 - ۲۲- صالح فلاحي
 - ۲۳- شاهره پیرخضران
 - ۲۴- هادی رحیمی
 - ۲۵- یلی محمودی (دانبکش)
- شورای کادرهای کردستان:**
- ۱- محمد آسنگران
 - ۲- یاسمن آزاد
 - ۳- مهرداد احمدی (شاهو)
 - ۴- وریا احمدی
 - ۵- عبدالله اسدی
 - ۶- ناصر اصغری
 - ۷- صبری امیر حسینی
 - ۸- عباس ایانغ
 - ۹- مینا بهروزی
 - ۱۰- هاشم پاک سرشت
 - ۱۱- شاهره پیرخضران
 - ۱۲- بهرام جهانبخش
 - ۱۳- غریبه حسینی
 - ۱۴- بهمن خانی
 - ۱۵- جمال خسروی
 - ۱۶- سیاوش دانشور
 - ۱۷- صابر رحیمی
 - ۱۸- هادی رحیمی
 - ۱۹- نسرين رمضانعلی
 - ۲۰- رزگار روشن
 - ۲۱- صادق زندی
 - ۲۲- سلیمان سیگارچی
 - ۲۳- کریم شاه محمدی
 - ۲۴- شاهرخ شاه ویسی
 - ۲۵- منیر شریف پوریان
 - ۲۶- سهیلا شریفی
 - ۲۷- شمی صلواتی
 - ۲۸- عبدالله صید مرادی
 - ۲۹- هلاله طاهری
- همینجا از سایر کادرهای حزب که خواهان عضویت در شورای کادرهای کردستان حزب میباشند، میتوانند درخواست شان را برای محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان ارسال کنند.
- هیئت دبیران
حزب کمونیست کارگری ایران**
۱ سپتامبر ۲۰۰۴

اطلاعیه برگزاری کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری ایران

پنجمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۸ و ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴ برگزار خواهد شد. این يك کنگره فوق العاده است که بدنبال مطرح شدن مباحث و اختلاف نظر در رهبری حزب حول مسائل سیاسی متعدد مربوط به انقلاب و استراتژی تصرف قدرت سیاسی و بمنظور به سرانجام رساندن این مباحثات تشکیل میشود. اسناد مربوط به این مباحث برای اطلاع عموم بزودی منتشر خواهد شد. از همه اعضای حزب میخواهیم که در این کنگره که کنگره مستقیم اعضا است فعالانه شرکت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اوت ۲۰۰۴ - ۳ شهریور ۸۳

آدرسهای تماس:

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۷۷ ۹۸۹۸ ۹۶۸

ای میل:

shahla_daneshfar@yahoo.com

فاکس: ۰۰۴۴ ۸۷۰ ۱۳۵ ۱۳۳۸

کنگره پنجم به سنت تاکنونی حزب کنگره ای علنی است. علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر

ترمیم هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران

دبیران ۲- کاظم نیکخواه، دبیر کمیته خارج کشور ۳- شهلا دانشفر، دبیر کمیته کل کشور و نیز مسئول دفتر مرکزی ۴- محمد آسنگران، دبیر کمیته کردستان ۵- مصطفی صابر، دبیر سازمان جوانان میشوند. رفیق شهلا دانشفر نیز علاوه بر مسئولیت دفتر مرکزی، بعنوان دبیر کمیته داخل کشور در هیات دبیران حضور خواهد داشت.

با توجه به استعفای برخی از اعضای هیات دبیران، رفیق محمد آسنگران بعنوان دبیر کمیته کردستان و رفیق مصطفی صابر بعنوان دبیر سازمان جوانان به هیات دبیران اضافه میشوند. رفیق شهلا دانشفر نیز علاوه بر مسئولیت دفتر مرکزی، بعنوان دبیر کمیته داخل کشور در هیات دبیران حضور خواهد داشت.

ترکیب کل هیئت دبیران، که باتفاق آرا از دفتر سیاسی رای اعتماد گرفت، بشرح زیر است:

حمیدتقوایی

۳۰ اوت ۲۰۰۴

۱- اصغر کریمی، رئیس هیئت

اسناد مباحثات درونی حزب کمونیست کارگری ایران

www.anternasional.com/bahs-hkk.htm

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!